

سیاست جنایی ایران، هلند و انگلستان در قبال جرایم مواد مخدر

مصطفی فروتن^۱

سید ایمان موسوی^۲

چکیده

سیاست جنایی هر کشور نسبت به جرم در سطوح مختلف تقنینی قضایی، اجرایی و مشارکتی انعکاس می‌یابد. در این میان سیاست جنایی تقنینی و قضایی سهم عمده و اساسی در ترسیم این سیاست را دارند. رویکرد سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم مواد مخدر بر خلاف سیاست جنایی هلند و انگلستان دایر بر سرکوب، کیفر محور، سزادهنده، تشدید مجازات‌های نامتناسب و فاقد نگرش اصلاحی و پیشگیرانه است، علائم این سیاست بسیار شدید و سرکوب‌گرانه را می‌توان در تعیین مجازات‌های سخت، من جمله اعدام و حبس‌های طول‌مدت و شلاق مشاهده کرد. در حالی که سیاست اعمالی در کشورهای انگلستان و هلند تخفیف‌آمیز بوده و حداکثر مجازات‌ها در قوانین این کشورها تنها در موارد استثنایی مجازات حبس ابد بوده و صحبتی از سایر مجازات‌ها من جمله مجازات‌های بدنی نیست. از جهت سیاست آیین دادرسی کیفری نیز حقوق ایران در قبال جرایم مواد مخدر یک سیاست جنایی افتراقی است که آثار و نشانه‌های این نوع سیاست را می‌توان در لزوم رسیدگی به این جرایم در دادگاه انقلاب مشاهده نمود، در حالی که در حقوق هلند و انگلستان شخصی که مرتکب جرم یا جرایم مرتبط با مواد مخدر شود با وی طبق مقررات عمومی آیین دادرسی برخورد خواهد شد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، مواد مخدر، مجازات، سیاست تقنینی.

۱- استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی شیراز forutanmostafa@gmail.com

۲- قاضی دادگستری و دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسول)
esmaeilmosavi65@gmail.com

مقدمه

«سیاست جنایی» که برای اولین بار توسط حقوقدانان آلمانی مانند فوئر باخ و کلاینشرد وارد ادبیات حقوق کیفری گردید، به شیوه‌های سرکوب‌گرایانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد، اشاره داشت و در واقع، در مفهوم «سیاست کیفری» به کار برده شد. (لازرژ، ۱۳۸۲: ۵۳) بعد از جنگ جهانی دوم و در واکنش به نظام کیفری سرکوب‌گر دولت‌های استبدادی و فاشیستی، مکتب‌های فلسفی و ایدئولوژی‌های مبتنی بر دفاع از حقوق انسان و تعالی حقوق بشر در فرایند کیفری، تعبیرهای جامع‌تر و انسانی‌تری از سیاست جنایی ارائه دادند. (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱۱۶) بدین ترتیب، «مارک آنسل» سیاست جنایی را «واکنش سازمان‌یافته و سنجیده جامعه علیه فعالیت‌های مجرمانه، منحرفانه یا ضد اجتماعی» تعریف و بر ضرورت عدم تقلیل سیاست جنایی در حد حقوق کیفری تأکید کرد. (دل‌ماس‌مارتی، ۱۳۸۱: ۲۳) دلیل این امر این است که صرف منع دیگران از مداخله در آزادی و امر آنان به مانع نشدن بر سر راه اعمال این حقوق کافی نیست؛ بلکه دولت باید برای این کار مقدماتی فراهم نماید که او را به مداخله بیشتر در آزادی‌ها ناچار می‌کند. (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۱۰۳)

امروزه پدیده بزهکاری مواد مخدر مرزهای کشورهای را در نوردیده و به یک بحران جهانی تبدیل شده است. مواد مخدر عامل مهم بیماری اقتصادی و به خطر افتادن بهداشت و سلامت جوامع بشری است. قاچاق مواد مخدر و بلای خانمانسوز اعتیاد و مصرف انواع مخدر سنتی و صنعتی بیش از دویست میلیون انسان عصر فراصنعتی را در جهان به اسارت گرفته است. در تمامی کشورها، سیاست مبارزه با مواد مخدر غالباً مقرون به تهدید و استفاده از حربه کیفر است. با این وجود صرف توجه به حربه تیز کیفر نیز در این مسیر راهگشا نیست. هماهنگی میان عوامل مختلف از یکسو و اتخاذ سیاست‌های نوین، علمی، مجرب و متناسب با شرایط و اوضاع و احوال، نقشی به سزا در موفقیت‌عملی سیاست‌های اتخاذ شده توسط مسئولان مربوطه دارد. پیدایش و ظهور اشکال مدرن مواد مخدر در جهان طی سالیان اخیر تنوع و کثرت در اعمال تدابیر، واکنش‌ها و سیاست‌های کلان جنایی را در پی داشته است. در این میان، سیاست یادشده به شدت تحت تأثیر اندیشه‌ها، مکاتب و جریان‌های فرهنگی و سیاسی حاکم بر هر جامعه قرار دارد و این آموخته‌های کلی هستند که در قالب سیاست تقنینی و قضایی، به تبیین راهبردهای اصولی، با هدف مهار پدیده مجرمانه می‌پردازد.

سیاست عمومی برای برخورد با مصرف مواد مخدر نگاهی بیمارگونه به مصرف کننده دارد به همین خاطر تلاش نخست برای کاهش مصرف و صدمه ناشی از مصرف مواد مخدر است البته مصرف برخی مواد مخدر جرم شمرده نمی‌شود و اختیار قاضی دادگاه در تخفیف مجازات بسیار است و به

شرایط هر پرونده و عوامل گسترده دیگری بستگی دارد و اصل ۱۲۲ قانون اساسی هند نیز اعطای عفو خصوصی به محکوم را به رسمیت شناخته است. (غلامی، ۷۴، ۱۳۹۳)

۱- مفاهیم

۱-۱- مفهوم مضیق سیاست جنایی

بعد از جنگ جهانی دوم و در واکنش به نظام کیفری سرکوبگر دولت‌های استبدادی و فاشیستی، مکتب‌های فلسفی و ایدئولوژی‌های مبتنی بر دفاع از حقوق انسان و تعالی حقوق بشر در فرایند کیفری، تعبیرهای جامع‌تر و انسانی‌تری از سیاست جنایی ارائه دادند. (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱۱۶) بدین ترتیب، «مارک آنسل» سیاست جنایی را «واکنش سازمان یافته و سنجیده جامعه علیه فعالیت‌های مجرمانه، منحرفانه یا ضد اجتماعی» تعریف و بر ضرورت عدم تقلیل سیاست جنایی در حد حقوق کیفری تأکید کرد. (دلماسمارتنی، ۱۳۸۱: ۲۳) لیکن، با ایجاد این طرز تفکر که حقوق کیفری یکی از ارکان اساسی سیاست جنایی است، اما همه آن را تشکیل نمی‌دهد و به عبارتی، سیاست جنایی، علاوه بر حقوق کیفری، یعنی مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر واکنش اجتماعی علیه بزهکاری، شامل قواعد حقوقی دیگر نیز می‌باشد. مجازات‌ها باید با یکدیگر هماهنگ و متناسب باشند از عملی که صدمه بیشتری به جامعه وارد می‌آورد بیشتر باید احتراز و جلوگیری کرد تا عمل کوچکتری که کمتر صدمه میزند این موضوع امری ضروریست. (منتسکیو، ۴۴، ۱۳۶۲)

۱-۲- مفهوم موسّع سیاست جنایی

سیاست جنایی در مفهوم موسّع از نگاه خانم «میری دلماسمارتنی» عبارت است از: «مجموعه شیوه‌ها و روش‌هایی که هیأت اجتماع، از طریق آنها، پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه را سامان‌دهی و سازمان می‌بخشد». (نجفی ابرندآبادی، ۷۹ - ۱۳۷۸: ۱۱۳۵) مراد از «هیأت اجتماع»، دولت و جامعه مدنی است. شیوه‌های پاسخ‌دهی به جرم، «گنشی و واکنشی»، «کیفری و غیر کیفری» نظیر ضمانت اجرای اداری است. پاسخ‌های کیفری و غیر کیفری مزبور، بایستی سازمان‌دهی شده باشند، به گونه‌ای که مطلوب عموم و جامعه‌پسند باشند نظیر «میانجی‌گری». پاسخ‌های منزوی و مبتنی بر دفاع شخصی از خود، پاسخ‌های مدنظر برای پدیده مجرمانه نیستند. به طور کلی، مجموعه روش‌های کیفری و غیر کیفری - نظیر روش‌های مبتنی بر جبران خسارت یا میانجی‌گری - پاسخ‌دهی به پدیده جنایی (اعم از جرم، تخلف و انحراف)، که از ناحیه دولت یا جامعه مدنی به صورت «گنشی و پیشگیرانه» یا «واکنشی» یا «ترمیمی» سازماندهی می‌شوند تا نهایت بتوان به امر کنترل پدیده مجرمانه و تأمین امنیت اشخاص و اموال آنها و از پی آن، انسجام و بقای اجتماع نایل آمد، «سیاست جنایی در معنای موسّع» اطلاق می‌گردد.

۳-۱- مفهوم مواد مخدر

مخدر از باب تخدیر به معنای چیزی است که سبب سست شدن اعضای بدن ورخوت در اعصاب می شود. به همین دلیل است که به آن مواد روان گردان نیز گفته می شود. در پارسی، بدان افیون گویند و تریاق معرب آن است و در اصل، تریاک است که به معنای پادزهر بوده و شیره میوه گیاه خشخاش می باشد.

صرف نظر از معنای لغوی آن که در این میان چندان حائز اهمیت نیست، پیشینه طبقه بندی انواع مواد مخدر چندان طولانی نیست مواد مخدر را می توان به انواع و دسته های مختلفی تقسیم کرد مثلاً آن را به اعتبار نوع، آثار، روش استفاده و غیره... می توان طبقه بندی کرد ولی با وجود انواع طبقه بندی و تلاش برای دسته بندی مواد تا امروز هیچ یک از این تقسیم ها جامع و کامل نبوده و نتوانسته است به درستی انواع مواد را شامل شود مشهورترین و البته ساده ترین نوع طبقه بندی نوین مواد مخدر که با پیشگامی دولت هلند همراه می باشد تقسیم آن به مواد مخدر آرام و سخت است.

۲- طبقه بندی مواد مخدر

الف - مواد مخدر آرام

این واژه ترجمه Soft Drug می باشد. واژه ی Soft از جمله به معنای نرم، سبک، و ملایم به کار رفته و مراد از drug نیز هر چند در لغت به معنای دارو است؛ لکن اغلب در مفهوم داروهای غیرقانونی، غیرمجاز و سرانجام مواد مخدر به کار می رود (فرهنگ لغت آکسفورد، ذیل واژه ی مواد مخدر آرام) از کنار هم قرار گرفتن این دو واژه، ترکیب وصفی مواد مخدر آرام یا نرم و یا سبک به دست می آید. مواد مخدر آرام مفهوم نسبتاً جدیدی است که لاقلاً در ادبیات حقوقی و اجتماعی کشور ما دارای سابقه نمی باشد. این اصطلاح به عنوان گونه ای از مواد مخدر با ویژگی یهای خاص بوده و در مقابل مفهوم مواد مخدر سخت قرار می گیرد.

ب- مواد مخدر سخت

این عبارت ترجمه ی واژه Hard Drug می باشد واژه hard در لغت به معنای سخت، شدید، قوی و نامطبوع است (فرهنگ لغت آکسفورد، ذیل واژه ی مواد مخدر آرام) و در اصطلاح به نوع خاصی از مواد مخدر گفته می شود که معارض با ویژگی های مواد مخدر آرام می باشد. تمامی دایره المعارف ها و فرهنگنامه های پزشکی، دارویی و حقوقی، به جای ارائه تعریفی از مواد مخدر سخت، صرفاً به تعریف مواد مخدر آرام پرداخته و با بیان ویژگی های آن، تشخیص سایر انواع مواد مخدر غیرآرام را به مخاطب واگذارده اند. بنابراین منابع، مواد مخدر آرام به آن دسته از موادی گفته می شود که مصرف آن احتمالاً منجر به عارضه اعتیاد نخواهد شد، علاوه بر آن، مصرف آن نیز دارای آثار سوء کمتری برای سلامت بدن خواهد بود.

بنابر مراتب مذکور، مواد مخدر سخت، آن دسته از موادی هستند که به نسبت سایر انواع مخدرات، دارای آثار و عوارض جسمانی بیشتر و غیرقابل اغماض بوده، به هیچ وجه دارای کاربرد درمانی نبوده و به شدت فرد را معتاد و وابسته به خود می کند. البته برخی، در بیان تمایز میان مخدرات آرام و سخت از حیث درجه اعتیادآوری گفته اند که مواد مخدر سخت، علاوه بر اعتیاد جسمانی شدید، اعتیاد روحی به خود را نیز ایجاب می نماید، حال آن که وابستگی به مواد مخدر آرام، صرفاً دارای جنبه روحی و روانی و نه جسمانی است. هر چند این سخن تماماً صحیح نیست ولی بدون شک وابستگی روحی و جسمی به مواد مخدر سخت بسیار شدیدتر از وابستگی جسمی به مواد مخدر آرام است. کشورهایی نظیر هلند که قائل به تمایز این دو گروه از مواد مخدر شده‌اند با طبقه بندی برخی از انواع مواد مخدر که از حیث آثار و ملازمات مصرف قرابت بیشتری با هم دارند به تفکیک این دو گروه پرداخته و مواد مخدر آرام را به نسبت مواد مخدر سخت واجد آثار منفی کمتر و استفاده درمانی بیشتر بر شمرده‌اند. از مصادیق برجسته مواد مخدر آرام میتوان به ماری جوانا، حشیش، و کافئین اشاره کرد. از عمده ترین مصادیق مواد مخدر سخت نیز میتوان مواردی همچون هروئین، کوکائین و متافتامین است. (احسان پور، ۱۳۹۵، ۱۷۵)

مواد مخدر سخت تر به نوبه خود به چند قسمت تقسیم می شوند. برخی از این مواد همچون تنباکو یا الکل، اغلب در بسیاری از کشورها به طور آزاد مورد خرید و فروش قرار می گیرند. برخی دیگر تنها به وسیله ی نسخه پزشک قابل تهیه می باشند و برخی نیز نظیر کوکائین و هروئین، به طور کلی غیرمجاز و غیرقانونی هستند.

۳- سیاست جنایی جرایم مواد مخدر

۳-۱- سیاست جنایی تقنینی مرتبط با مواد مخدر

سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر اساساً مبتنی بر سیاست سرکوب و کیفر می باشد و به لحاظ وجود دادرسی کیفری خاص و محدودکننده و در عین حال مضر به حقوق متهمین این جرایم، آیین دادرسی افتراقی را به خود اختصاص داده است. البته چنین روش دادرسی نمی تواند مفید و مورد حمایت اندیشمندان و عالمان سیاست جنایی واقع گردد چرا که در حقوق کیفری افتراقی یا دادرسی افتراقی یا به طور کلی سیاست جنایی افتراقی تا وقتی که جنبه های سودمندی یا حمایتی یا ابتکاری را با خود نداشته باشد مورد اقبال جرم شناسان و حقوقدانان قرار نمی گیرد. به ویژه اینکه سیاست جنایی امروزی به معنای وسیع خودش تحت تأثیر یافته ها و آموزه های جرم شناسی و حقوق بشری در حال فاصله گرفتن از سیاست کیفری محض می باشد. (اکبری، ۱۳۹۳، ۱۰)

از دیدگاه کلی، سیاست جنایی ایران در بعد قانون گذاری با مشکلات عدیده‌ای نظیر تعدد و کثرت مراجع قانون گذاری، ضعف تخصص و تخصص گرایی، فردگرایی و اعمال سلیقه شخصی، رویکرد سنتی در قانون گذاری کیفری و جرم انگاری افراطی مواجه بوده و در این وضعیت، نه تنها

فرایند یکسان و یکنواختی ندارد، بلکه دچار نوعی بی‌نظمی، انحراف و عدم انسجام است و به فراخور هر برهه خاص زمانی، آموزه‌ها و تفکرات مجزایی بر آن حاکم بوده و از این رو در تبیین اصول راهبردی نظام عدالت کیفری به دلیل انقطاع از نظام علمی و عملی سابق و آغاز شیوه آزمون و خطا، ناتوان یا ناکارآمد نشان داده است. (نجفی توانا، ۱۳۸۶، ۱۳۰)

این سیاست در بعد جرایم مواد مخدر و نحوه تقابل و مبارزه علیه این جرایم که روز به روز بر گستره و دامنه شمول ارتکاب آن افزوده می‌شود نیز، فاقد استراتژی هدفمند و انسجام کافی می‌باشد.

سیاست جنایی تقنینی در حقوق ایران در زمینه مجازات مواد مخدر تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است. تا سال ۱۲۹۰ هجری شمسی مواد مخدر ایران تابع نظم حقوقی نبود و به عنوان کالای مجاز همانند هر کالای مجاز دیگر مورد خرید و فروش و مصرف قرار می‌گرفت. از سال ۱۲۸۹ دولت به فکر نظم بخشیدن به کشت و مصرف مواد مزبور افتاد در واقع هدف این قوانین ایجاد زمینه-ای جدید برای اخذ مالیات از مردم بود ولی رفته رفته با افزایش اعتیاد در میان مردم و فشاری که از طرف مردم و گروه‌های اجتماعی و مراجع بین‌المللی بر دولت وارد شد جرم‌انگاری در این زمینه آغاز شد و اکثراً قانونگذار ابتدا با تعیین مجازات جزای نقدی شروع شد و در برخی موارد جزای نقدی با مصادره مواد مخدره ممنوعه و حبس‌های کوتاه مدت همراه شد و به مرور زمان با تجدید نظری که در قوانین صورت می‌گرفت بر میزان مجازات‌ها افزوده شد.

بنابراین می‌توان گفت در ایران با توجه به مقررات جرایم مواد مخدر متولی و مرجع اصلی سیاست‌گذاری در این خصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. سیاست جنایی تقنینی فعلی در مورد جرایم مواد مخدر به استثنای پدیده اعتیاداً مبتنی بر شدت مجازات‌ها نظیر اعدام، حبس ابد و دادرسی افتراقی غیرعادلانه می‌باشد. قانونگذار خواسته یا ناخواسته با وضع مجازات‌های سنگین و شدید، سیاست جنایی صفر مدارگرایانه یا بدون تسامح را در پیش گرفته است ولی نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اهداف مورد انتظار حاصل نگردیده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۲۴۰)

سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر اساساً مبتنی بر سیاست سرکوب و کیفر می‌باشد و به لحاظ وجود دادرسی کیفری خاص و محدودکننده و در عین حال مضر به حقوق متهمین این جرایم، آیین دادرسی افتراقی را به خود اختصاص داده است. البته چنین روش دادرسی نمی‌تواند مفید و مورد حمایت اندیشمندان و عالمان سیاست جنایی واقع گردد چرا که در حقوق کیفری افتراقی یا دادرسی افتراقی یا به طور کلی سیاست جنایی افتراقی تا وقتی که جنبه‌های سودمندی یا حمایتی یا ابتکاری را با خود نداشته باشد مورد اقبال جرم‌شناسان و حقوقدانان قرار نمی‌گیرد. به

ویژه اینکه سیاست جنایی امروزی به معنای وسیع خودش تحت تأثیر یافته‌ها و آموزه‌های جرم‌شناسی و حقوق بشری در حال فاصله گرفتن از سیاست کیفری محض می‌باشد. (اکبری، ۱۰، ۱۳۹۳)

افکار عمومی به مجرم مواد مخدر و مجرم سایر اعمال مجرمانه از جمله کلاهبرداری، تجاوز به عنف، سرقت و ... یکسان نگاه نمی‌کنند و اعتقاد دارند که قبح اجتماعی جرایم مواد مخدر در مقایسه با سایر جرایم به مراتب پایین‌تر است و قانونگذار ایران با وضع مجازات‌های سنگین برای جرایم مواد مخدر از این اعتدال تجاوز نمود و در تعیین مجازات تناسب لازم را رعایت نکرده است. سیاست کیفری قانونگذار در قانون مبارزه با مواد مخدر همواره مبتنی بر سرکوب، شدت مجازات یا عدم تناسب آن‌هاست به نحوی که در تعیین مجازات‌ها به میزان قبح اجتماعی عمل، کرامت انسانی، موازین حقوق بشری و اصل عدالت که از معیارهای تناسب تلقی می‌شوند توجه کافی نکرده است. وضع مجازات‌های اعدام و حبس‌های طولانی مدت برای بسیاری از این جرایم، حکایت از سیاست سرکوب و طرد مرتکبان آنها بدون توجه به تناسب و اهداف مجازات‌ها بخصوص اثر بازدارندگی آنها می‌کنند (اکبری، ۱۰، ۱۳۹۳)

مشکل مواد مخدر در هلند و انگلستان سابقه‌ای طولانی به مانند کشور ما و دیگر کشورهای شرقی ندارد سنگ بنای سیاست مواد مخدر در هلند، قانون مواد مخدر این کشور است. مصرف حشیش به عنوان یکی از انواع مواد مخدر سبک متعاقب جنگ جهانی دوم در هلند آشکار شد. به دنبال ظهور این پدیده جدید، قانون مواد مخدر این کشور در سال ۱۹۵۳ میلادی مورد بازنگری قرار گرفت و حشیش نیز به لیست مواد مخدر ممنوعه اضافه گردید، در این تاریخ نخستین بار حشیش در هلند مورد جرم‌نگاری قرار گرفت. توسل بیش از حد پلیس آمستردام به زور در واکنش به شورش‌ها و اعتراضات دانشجویی در سال ۱۹۶۱ موجب شد که اجرای مقررات و قوانین تا اندازه زیادی تحت تأثیر تمایلات عمومی جامعه در خصوص آن قانون قرار گیرد. و بدین ترتیب موضع هلند در قبال مسائل و موضوعات اجتماعی رو به تعدیل نهاد، از جمله این موضوعات که انعطاف بیشتری توسط دولت را به همراه داشت جنبش‌های اعتراضی صلح‌آمیز و نیز مصرف مواد مخدر بود. پس از این، سیاست جدید هلند بر عدم بازداشت جرم حمل حشیش قرار گرفت.

به موازات کمیسیون فوق در سال ۱۹۶۸ کمیسیونی دولتی تحت مدیریت وزارت بهداشت تشکیل گردید و در سال ۱۹۷۲ گزارش نهایی این کمیسیون ارائه شد گزارش مزبور بر تمایز دو گروه از مواد مخدر با خطرات قابل قبول و غیر قابل قبول تأکید ورزید و حشیش را در زمره مواد مخدر فاقد خطر بهداشتی معتنا به قرار داد. در خصوص سایر مواد مخدر سخت گزارش مذکور بر این نکته تأکید نمود که استفاده از حقوق جزا جهت کنترل آن رویکردی نامناسب به شمار می‌آید. در مقابل پیشنهاد مطرح شده، پیشنهادی مبنی بر جرم‌زدایی از مصرف تمامی انواع مواد مخدر در طولانی مدت و استقرار نظام درمانی کارآمد بود. نقش حقوق جزا نیز در این حالت الزام مصرف

کنندگان افراطی مواد مخدر به پذیرش درمان تعیین گردید. توصیه هایی که این کمیسیون صادر نمود تا حد بسیار زیادی در تعیین خط مشی سیاست جنایی هلند موثر بود. و منجر به تغییر در قانون مواد مخدر این کشور در سال ۱۹۷۶ گردید. این قانون مبتنی بر دو اصل کلیدی است.

۱- میان انواع مختلف مواد مخدر بر اساس صدمات آن ها تفاوت قایل می شود مطابق این اصل مواد مخدري که استفاده دارویی آن به ثبت رسیده و خطرات چندانی در بر ندارد و به دلیل دفع بسیار آهسته از بدن اعتیاد آور نیست، در محل هایی مخصوص که کافی شاپ ها می باشند آزادانه فروخته می شوند و مصرف آن آزاد است. در این طبقه کلیه فرآورده های گیاه شاهدانه فعلا گنجانده شده و به عنوان مواد مخدر سبک از آن یاد می شود. اولین بار در سال ۱۹۷۶ دولت هلند تصمیم به «تحمل» فروش و استفاده از فرآورده های شاهدانه در کافی شاپ های مجاز گرفت. تحمل اصطلاحی است که هلندی ها در این خصوص به کار می برند و این عبارت را به معنای «دادن مجوز بدون اینکه آن را کاملاً قانونی نمایند» به کار می برند، البته برای هلندی ها تصور اینکه در کشورهایی مثل ایران، چین، مالزی و فیلیپین مجازات اعدام برای مواد مخدر وجود دارد عجیب است طبق این قانون مالکیت فرآورده های شاهدانه تا میزان ۳۰ گرم قانونی شد که امروزه این میزان به ۵ گرم کاهش یافته است و مالکیت ۵- ۳۰ گرم فرآورده های شاهدانه جرمی کم اهمیت جرمی از درجه جنایی محسوب می شود در مجموع مهم نیست که در جای دیگری غیر از کافه ها هم از فرآورده های شاهدانه استفاده کنند چون خطر بازداشت وجود ندارد در جایی که سیگار کشیدن ممنوع باشد مصرف فرآورده های شاه دانه نیز ممنوع است.

بنابراین در هلند یک تمایز شدید بین مواد مخدر قوی و ملایم وجود دارد این تمایز بر اساس این باور است که مواد مخدر قوی مثل هروئین، کوکائین، ال اس دی و آمفتامین دارای خطر غیر قابل قبول هستند در حالی که خطرات محصولات کانابیس (مواد مخدر ملایم مثل حشیش و ماری جوانا) به آن اندازه شدید نیستند. مالکیت هر نوع مواد مخدر ملایم و قوی با اهداف تجاری جرم جدی تری نسبت به مالکیت برای مصرف شخص دارد. واردات و صادرات مواد مخدر بالاترین اولویت را برای مقامات تحقیق کیفری دارند و بر طبق آن جدی ترین مجازات ها را در این زمینه اعمال می کنند حداکثر حکم برای مالکیت مواد مخدر قوی دوازده سال زندان و جریمه نقدی معادل صد هزار فلورن جریمه نقدی است حداکثر برای مالکیت مواد مخدر قوی برای مصرف شخصی یک سال زندان و ده هزار فلورن جریمه نقدی است حداکثر جریمه برای واردات و صادرات مواد مخدر ملایم چهار سال زندان و جریمه نقدی معادل صد هزار فلورن است حداکثر حکم برای فروش یا تولید میزان حداکثر سی گرم کانابیس یک ماه بازداشت یا پنج هزار فلورن جریمه نقدی است در صورتی که فرد بیش از یک بار مرتکب جرم شده باشد حداکثر مجازات ها ممکن است تا یک سوم افزایش یابد

سیاستی که منجر به این شد که کافی شاپ‌ها مکان‌هایی باشند که در آنها خرید مواد مخدر ملایم تحت شرایطی خاص مجاز باشد.

انگلستان بالاترین سطح وابستگی به مواد مخدر را داراست و از نظر مصرف تفننی مواد مخدر در سطوح بالا بین کشورهای اروپایی است. قانون سوءمصرف مواد مخدر ۱۹۷۱ فرایند کنترل قانونی بیش از پیش بر مواد مخدر در قرن بیستم را ادامه داد. این قانون چهار مرحله را پشت سر گذاشته است. تا سال ۱۹۱۶ کنترل بسیار کمی بر مصرف مواد مخدر وجود داشت. ترکیبات مختلف مشتق شده از تریاک و کوکائین برای فروش وجود داشتند و به طور گسترده استفاده می‌شدند.

محکومیت توزیع و استفاده از کوکائین و عمدتاً مورفین و بعدها کانابیس با دسترسی به کوکائین و هروئین برای معتادین از طریق پزشکان تجویز می‌شدند، تمهیدی که به عنوان سیستم انگلیسی شناخته شد و توسط کمیته رولستون در سال ۱۹۲۶ تأیید شده بود. این سیستم درمان، تنبیه مصرف‌کنندگان وابسته به مواد مخدر را از تنبیه تأمین‌کنندگان غیرمجاز مجزا می‌کرد. تا دهه ۱۹۶۰ سیاست انگلستان در خصوص مواد مخدر این سیستم را دنبال می‌کرد که در جای دیگری وجود نداشت. تعداد مصرف‌کنندگان اصلاً زیاد نبود و شیوع مصرف مواد در حد پایین باقی ماند، درحالی که اندک افرادی که مصرف‌کننده وابسته بودند به دریافت داروهای تجویز شده از طرف پزشکان به عنوان بخشی از درمانشان ادامه دادند.

در دهه ۱۹۶۰ دو رویداد سبب افزایش شدید سطح کنترل قانونی مواد مخدر غیرقانونی شد. اولین مسئله تجویز مقادیر زیاد هروئین توسط تعداد کمی از پزشکان بود که منجر به بازار غیرقانونی می‌شد و دومین عامل افزایش مصرف موادی مثل کانابیس، آمفتامین‌ها و ال‌اس‌دی بود که تا قبل از آن به مقدار زیاد در انگلستان وجود نداشتند. این مساله منجر به فاز سوم سیاست دارویی انگلستان شد که در این دوره افزایش کنترل با افزایش شیوع بین دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ همراه بود.

در سال ۱۹۹۱ اولین اقدام قانونی برای ادغام واکنش‌های عدالت کیفری و سلامت صورت گرفت. امروزه جدایی کمتری بین پاسخ‌تنبیهی و پزشکی که مشخصه سیستم انگلیسی در گذشته بود، وجود دارد.

دسته بندی مواد مخدر و احکام آن در انگلستان به شکل زیر تقسیم می‌شود: که این دسته بندی بر اساس میزان خطر این مواد برای مصرف‌کنندگان و جامعه می‌باشد و برای مواد خطرناک تر مجازات بیشتری در نظر گرفته شده است. دسته A شامل ال‌اس‌دی، اکستازی، هروئین، متادون، کوکائین، متیل‌آمفتامین و آمفتامین‌های تزریقی هستند. حداکثر حکم زندان برای مالکیت این مواد ۷ سال زندان و حداکثر حکم زندان برای عرضه آنها حبس ابد می‌باشد.

بنابراین مطابق با قوانین حاکم بر مبارزه و کنترل مواد مخدر انگلیس در تقسیم بندی سه گانه مواد مخدر برای نوع اول شدیدترین مجازات را در نظر گرفته و برای نوع سوم پایین ترین درجه از مجازات را متناسب با نوع مواد و میزان آن در نظر گرفته است.

۲-۳- سیاست جنایی قضایی مرتبط با مواد مخدر

سیاست جنایی قضایی یعنی نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه اعمال قوانین و مقررات مربوط است که از اصل متغیر بودن تفسیر قواعد حقوق کیفری نشأت می گیرد. نحوه دریافت گفتمان سیاست جنایی قانونگذار توسط قوه قضائیه و نیز چگونگی اعمال و اجرای سیاست جنایی تقنینی توسط مراجع قضایی، بدنه سیاست جنایی قضایی را تشکیل می دهد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ۱۶)

موفقیت و اجرای مطلوب قوانین جزایی در گرو همسویی رویکرد دستگاه عدالت کیفری با خواسته و اهداف سیاست جنایی تقنینی است. به عبارت دیگر اهداف و اراده قانونگذار در اجرای کامل قوانین کیفری توسط دستگاه های قضایی و انتظامی نمایان می شود؛ طبیعی است که اگر این همسویی بین مراجع تقنینی و قضایی وجود نداشته باشد یا متزلزل گردد بدون شک امر مبارزه با جرایم مختل و از مسیر مورد نظر خارج خواهد شد. بالاخص زمانی که قانون جزایی از نظر توجیه اجرای مجازات، منطبق و هماهنگ با باورهای دست اندرکاران دستگاه عدالت کیفری به ویژه قضات که متأثر از افکار عمومی جامعه هستند نباشد تبدیل به یک قانون خنثی و ناموفق خواهد شد. بنابراین مجلس قانونگذاری در تصویب قوانین مربوط به مجازات باید با تاسی از میزان قبح اجتماعی جرایم، ضمانت های اجرایی را مقرر نماید که مجریان در اجرای آن با اختلال مواجه نگردند و این اختلال زمانی برجسته خواهد شد که قانون جزایی با باورهای کیفری قضات در اجرای مجازات همخوانی نداشته باشد. (اکبری، ۱۳۸۹: ۶۵-۵۴)

در صورتی که تهدید به مجازات از قواعدی ناشی می شود که مردم آن ها را غیر عادلانه می دانند تهدید به مجازات و احتمال آن را کمتر محاسبه می کنند زیرا معتقدند مقامات قضایی آن قدر منصف هستند که قواعد مکتوب غیر عادلانه را اجرا نکنند و اگر بپذیریم که مقامات قضایی نیز از همین مردم هستند که این اعتقاد چندان هم موهوم نیست آنها معتقدند قانونگذار در این موارد مرتکب خطا شده است پس این تهدید رسمی نباید لحاظ شود. (اکبری، ۱۳۹۳ ص ۱۰۶)

بنابراین گفتمان سیاست جنایی تقنینی، در همه ابعاد و زمینه ها، در قوه قضائیه، یکسان دریافت و اجرا نمی شود، بلکه مراجع قضایی هر یک ممکن است درک و برداشت متنوع و گوناگونی از آن داشته باشند. از این رو، به تعبیر برخی از جرم شناسان، می توان نسبی بودن سیاست های جنایی تقنینی در زمان را در برابر نسبی بودن سیاست های جنایی قضایی در زمان و مکان قرار داد. آنچه مسلم است سیاست جنایی تقنینی که در ضوابط مدون تجلی می یابد، برای وصول به اهداف،

نیازمند ابزار معین اعم از فرهنگی، اجرایی و قضایی است و بدون تمهید مقدمات و بسترسازی های لازم یک سیاست جنایی تقنینی مطلوب نیز قادر به نتیجه بخشی نخواهد بود و بدون تردید، یکی از لوازم محوری، نقش نظام قضایی یک جامعه در اجرای سیاست جنایی تقنینی متناسب است. (علی زاده، ۱۳۸۳، ۵۳)

با این توضیح، آنچه در خصوص نحوه دریافت و تعبیر پیام قانون گذار کیفری توسط زعما و مجریان سیاست جنایی قضایی در بعد مقابله با جرایم مواد مخدر، مشهود و مشخص است اینکه؛ گفتمان سیاست جنایی تقنینی، در همه زمینه ها و ابعاد در قوه قضائیه، دادسراها و دادگاه ها یکسان دریافت و اجرا نمی شود و بر خلاف سیاست جنایی کیفر محور، سرکوبگرانه مبتنی بر تساهل حداقلی و تسامح صفر مقنن در خصوص مجرمین مواد مخدر و جرایم مرتبط با آن، در سیاست جنایی قضایی، ما با دیدگاه تساهل، انعطاف، ملاحظت و تسامح با اینگونه جرایم مواجه هستیم. به عبارتی، نگرش حاکم بر دستگاه قضایی پیرامون جرایم مربوط به مواد مخدر، به جای یک نگرش مجرمانه و بدبینانه، یک نگرش منعطف و خنثی کننده حاکم است و در واقع قضات دادگاه ها با به کارگیری حداکثری مکانیزم های جایگزین نظیر تعلیق، تخفیف و تبدیل مجازات، سعی در اعمال ملاحظت استخلاص و اعمال تدابیری دارند که به مرور خاصیت سزادهی و ارعابی ضوابط کیفری را به حداقل تنزل داده است از طرفی، بخشنامه های صادره از سوی ریاست قوه قضائیه و تصمیم گیری های کلان سایر زعمای قضایی که در مورد جرایم مواد مخدر نیز مشهود و نمایان است، جهت گیری این سیاست را تحت الشعاع قرار داده است.

با این وجود دیدگاه قانونگذار مبتنی بر شدت مجازات ها بدون توجه به جوانب فردی آن در مبارزه با مواد مخدر با شکست جدی مواجه شده است. اگر چه در مقطع خاصی به صورت استثنایی موفقیت آمیز بوده است به عبارت دیگر چنانچه سیاست جرم انگاری و وضع مجازات ها با کرامت انسانی و افکار عمومی که قوه مقننه و همینطور قضات دادگستری متأثر از آن هستند منطبق نباشد علاوه بر تحمیل هزینه های مادی و معنوی هنگفت در جامعه سرانجام جز شکست و دوری از اهداف مجازات را نخواهد داشت. با فقدان اجماع یک اکثریت کافی، قانون کیفری باید قلمروهایی را که مدت ها تحت حاکمیتش بوده است ترک کند و اعمالی که تاکنون با عنوان مجرمانه مورد ملاحظه قرار می گرفتند در قالب فرایند جرم زدایی از سیطره قانون کیفری خارج سازد. (پیکا، ۱۰۲، ۱۳۷۰)

این تعارض و تخالف بین دو سیاست به حدی مشهود است که تصور نوعی خنثی سازی سیاست جنایی تقنینی را در خروجی نهادهای قضایی بلکه معارضه با آن را ایجاد نموده است عدم تبعیت سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی به این معناست که قانون گذار در وضع قانون به بیراهه رفته است اگر قانون گذار در یک اتاق شیشه ای و بدون توجه به واقعیات جامعه اقدام به تصویب قانون نماید و تنها با وضع مجازات بسیار سنگین و بدون توجه به علل و صرفا با

توجه به معلول ها قانون گذاری نماید و خیال کند که با وضع مجازات بسیار سنگین می تواند به حل مشکل بپردازد راه اقتباس را انتخاب کرده است و در عوض انعطاف طلبی قضات وجود دارد که با مشاهده عینی وقایع اجتماعی و امکان درک درست و بهتر از این وقایع راه اعمال اغراض سرکوب گرانه قانون گذار را در عمل سد می کند. (رحمدل، ۱۳۸۵، ۱۵۷) «چون قضات بیش از آن که حامی و مجری قوانین باشند انسانند و به حکم طبیعت خود میل دارند قانون را به گونه ای تفسیر کنند که با عدالت منطبق باشد دادرسان که با وقایع خارجی به طور مستقیم روبرو هستند عدالتی را که اخلاقی عمدی به وجود آورده است روشن تر احساس می کنند و از آن الهام می گیرند ولی به عنوان انسان از محیط خود متاثر می شوند» (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۶۶۵).

هدف اصلی سیاست مواد مخدر در هلند و انگلستان کاهش خطرات ناشی از مصرف مواد مخدر برای خود مصرف کنندگان، محیط زندگی و در کل جامعه است این نظر بر این عقیده واقع است که اثرات مصرف مواد مخدر نه تنها از خصوصیات دارویی مصرف شونده بلکه از شخصیت مصرف کنندگان و شرایطی که تحت آن مواد مصرف میشوند ناشی می شود.

در هلند وزیر بهداشت، رفاه و ورزش و وزیر دادگستری به طور مشترک مسئول سیاست مواد مخدر هستند وزیر دادگستری مسئول اجرای قانون مجرمان و تا حدودی محاکمه و خدمات پس از مراقبت، و وزیر بهداشت، رفاه و ورزش مسئول کمک، پیشگیری و سیاست های بهداشت عمومی است وزیر کشور مسئول پیگیری اداری است.

در سطح محلی سیاست مواد مخدر با همکاری نزدیک بین مسئولین بهداشت عمومی و امور اجتماعی، پلیس و دادگاه ها اجرا می شود قطعاً معروف ترین بخش از سیاست مواد مخدر در هلند این است که کافی شاپ ها اجازه فروش حشیش و ماری جوانا را دارند اما باید تاکید کرد که هر کس اجازه فروش کانابیس را ندارند. در حقیقت اکثر شهرداری ها به کافی شاپ ها در حوزه خود این اجازه را نمی دهند و آن هایی که اجازه می دهند نیز سعی می کنند تعداد این کافی شاپ ها را محدود باشد به علاوه مقدار کانابیس که می توانند به مشتریان بفروشند یا در انبار داشته باشند نیز محدود است حداکثر مقدار مجاز برای فروش به هر فرد ۵ گرم و حداکثر میزانی که هر کافی شاپ می تواند در یک زمان داشته باشد ۵۰۰ گرم است.

مسئولین زیاد نگران فروش، توزیع یا استفاده از کانابیس نیستند بلکه در عوض بیشتر بر مسائلی که منجر به مشکلات خاص مثل مزاحمت و جرم می شوند تمرکز می کنند. بر این اساس تصمیمات برای اجرای قوانین موجود بر مبنای تمایل به ایجاد جامعه عاری از مواد مخدر نیست بلکه بر پایه دیگر ملاحظات است. این امکان وجود دارد که قوانین را به شکلی اجرا کرد که بازار مواد مخدر به جای اینکه سرکوب شود تنظیم شود. در حالی که سرکوب ممکن است منجر به جابجایی بازار به جای دیگر شود تنظیم آن می تواند به کاهش اثرات منفی بیرونی کمک کند و یک محیط

نسبتاً امن هم برای فروشندگان و هم خریداران ایجاد کند. سیاست هلند در خصوص مواد مخدر قوی بر پایه کاهش خطر می‌باشد این به این معنا است که کمک به مصرف کنندگان مواد با هدف به حداقل رساندن خطرات سلامت بدون هیچ تلاش برای اجتناب از دارو است. به علاوه یکی از اهداف کمک به معتادین مواد مخدر کمک به این افراد برای تبدیل شدن به بخشی از جریان اصلی جامعه از طریق کمک به آنها برای مدیریت منابع مالی و کاریابی است، این رویکرد عملی حاصل این نگاه است که واقعیت‌گرایانه نیست که از معتادین مواد مخدر انتظار داشته باشیم که در یک مدت کوتاه از مصرف مواد دست بکشند و روشی که صرفاً با این هدف باشد ممکن است منجر به انزوای اجتماعی بیشتر این افراد و بدتر شدن شرایط جسمی و روحی این افراد شود.

در هلند و انگلستان با این تصور که همه شکل‌های مصرف مواد مخدر مضر نیستند و بر اساس میزان خطر آنها، شکل‌های مختلف مصرف مواد مخدر متمایز شده‌اند استفاده تجربی از استفاده به شکل منظم و بیش از حد یا استفاده مشکل ساز مجزا شده است بین استفاده از مواد مخدر و اعتیاد نیز تفاوت وجود دارد، اعتیاد به مواد مخدر قوی معمولاً به معنای اعتیاد به هروئین می‌باشد. بنابراین واژه اعتیاد یا یا استفاده بیشتر بر اساس میزان خصوصیات اعتیادآوری ماده مطرح می‌شود. در خصوص مواد مخدر ملایم بیشتر کلمه استفاده و در خصوص مواد مخدر قوی از کلمه اعتیاد به کار برده می‌شود. در مجموع باید گفت که سیاست جنایی کشور هلند سیاستی تخفیف‌آمیز است، اما چون این رویکرد در مورد همه جرایم به کار می‌رود جرایم مواد مخدر را نیز پوشش می‌دهد. (غلامی، ۱۳۹۲، ۷۴)

به نظر بعضی از قضات، توسل بیش از اندازه قانون گذار به مجازات و خصوصاً مجازات‌های شدید ارزش و اهمیت مجازات‌ها را از بین برده است و مجرمان دیگر ترسی از مجازات شدن ندارند به علاوه این دسته از قضات اعمال مجازات شدید را در این موارد غیر عادلانه می‌دانند در مورد مجازات‌ها به نظر قضات کارایی مجازات شدید مورد تردید می‌باشد و فاصله بین سیاست جنایی قضایی از سیاست تقنینی در ایران از جمله دلایل ضرورت تجدید نظر در مجازات‌های شدید تلقی می‌شود. (آشوری ۱۳۷۹، ۳۳۷)

نتیجه‌گیری

یکی از مولفه‌های ارزیابی یک سیاست جنایی کارآمد وضع ضمانت اجراهای مطلوب و متناسب و اجرای صحیح و دقیق آنها در قبال نقض قوانین و مقررات است. بنابراین تحقق یک سیاست جنایی مطلوب مستلزم اتخاذ سیاست‌های منسجم و هماهنگ تقنینی و قضایی و اجرایی است و وضع قوانین صریح، شفاف و بدون از تشدد و پراکندگی و اجرای صحیح و دقیق این قوانین، از شاخصه‌های یک سیاست جنایی کارآمد محسوب می‌شود.

بررسی سیاست کشورهای موضوع این مقاله نشان داد که ماهیت سیاست جنایی هر کشور در خصوص مواد مخدر به شاخصه‌های مختلفی بستگی دارد. فراوانی و شدت آسیب‌زا بودن جرایم مرتبط با مواد مخدر، طرز تلقی فرهنگ عمومی نسبت به مواد مخدر و اختیاری که قانون در برخورد با این جرایم به قضات اعطا نموده و همچنین تاثیر قوای حاکمه و گروه‌های تاثیر گذار در جامعه بر روند قانونگذاری در کشورها، همگی از جمله عواملی هستند که می‌تواند سیاست جنایی را در کشورها، در برخورد با این گونه جرایم ترسیم نماید.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که سیاست جنایی ایران در برخورد با جرایم مواد مخدر فاقد استراتژی روشمند و هدف‌گرا با قابلیت پیشگیری از جرم، بازدارندگی عام و خاص و اصلاح و بازپروری مجدد مجرمان می‌باشد و بروز تعارض و مشکلات عدیده در جلوه‌های مختلف سیاست جنایی قانون‌گذارانه و قضایی به نوبه خود سیاست جنایی ایران را با ابهام و ناکارآمدی مواجه ساخته و نه تنها هیچ گزاره اصلاحی یا بازدارنده یا پیش‌گیرانه محسوس و قابل اعتمادی که حکایت از برخورداری از رهیافت‌های نوین دانش جرم‌شناسی داشته باشد، دیده نمی‌شود، بلکه ناتوانی و ضعف در کنترل جرایم مواد مخدر، این شائبه منطقی را ایجاد نموده که در ایران نمی‌توان از یک مدل سیاست جنایی علمی و مدون پیرامون برخورد با جرایم مواد مخدر، سخن به میان آورد.

در نتیجه با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت هر چند که در دو کشور هلند و انگلستان نظام قانونگذاری با قضایی تا اندازه‌ای به خصوص در قبال جرایم مواد مخدر توانسته‌اند به هماهنگی برسند اما در این دو کشور هم به دلیل عدم شناخت دقیق تبعات جرایم مرتبط با مواد مخدر و همچنین تاثیر قوای حاکمه و گروه‌های تاثیر گذار در جامعه نتوانسته‌اند کارایی لازم را برای پیشگیری از این جرایم داشته باشند.

منابع

- آشوری، محمد، (۱۳۷۹)، جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، مجموعه مقالات، جلد اول، تهران، نشر روزنامه رسمی.
- آقابابایی، حسین، (۱۳۸۹)، قلمرو امنیت در حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- احسان پور، سیدرضا، (۱۳۹۵)، توجیهات جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر آرام؛ مطالعه تطبیقی در حقوق کیفری هلند و ایالات متحده، فصلنامه حقوق کیفری، سال دهم، شماره ۳۹.
- اکبری، عباسعلی، (۱۳۹۳)، جستاری در آسیب‌شناسی سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد دوره یک، شماره ۲.
- پیکا، ژرژ، (۱۳۷۰)، جرم‌شناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابراندآبادی، چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی.

دلماش مارتی، می‌ری، (۱۳۸۱)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد نخست، چاپ اول، نشر میزان، تهران.

رحمدل، منصور، (۱۳۸۵)، تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، مجله جامعه شناسی ایران، دوره هفتم شماره یک.

علی زاده، اشکلک، (۱۳۸۳)، سیاست جنایی قضایی ایران، رساله دکترا حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

غلامی، حسین، (۱۳۹۲)، سیاست کیفری چهارده کشور جهان درباره عفو و تخفیف مجازات جرایم مواد مخدر، فصل نامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، دوره ۱، شماره ۱.

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار.

لازرژی، کریستین، (۱۳۷۵)، سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر یلدا.

محمودی جانکی، فیروز، (۱۳۸۲)، اصول، مبانی و شیوه های جرم انگاری، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

منتسکیو، شارل لوئی، (۱۳۶۲)، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مجتهدی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیر کبیر.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۴)، سیاست جنایی؛ گزیده مقالات آموزش برای ارتقاء دانش دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر سلسبیل.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۹)، تاریخ تحولات حقوق کیفری، تقریرات مباحثی در علوم جنایی، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

نجفی توانا، علی، (۱۳۸۶)، تعارض در سیاست جنایی ایران، فصلنامه دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، شماره اول.